

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و هفتم، دوره جدید، شماره ۳۳، پیاپی ۱۲۳، بهار ۱۳۹۶

انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس و سرمایه اجتماعی^۱

نظام علی دهنوی^۲

هوشنگ خسروییگی^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱/۱۹

چکیده

انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس یکی از نخستین انجمن‌های ایرانی مدرن و دموکراتیک در تاریخ معاصر بود که توانست با سرمایه اجتماعی نسبتاً گسترده‌اش به تأسیس مدرسه، کمک به نیازمندان و بسیاری از امور خیریه دیگر بپردازد. پژوهش حاضر درصدد است به توصیف و تبیین رابطه انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس و سرمایه اجتماعی از سال‌های ۱۹۰۰-۱۹۳۰ م. بپردازد. سرمایه اجتماعی دارای مؤلفه‌های متعددی است که البته تکیه این پژوهش بر مؤلفه شبکه اجتماعی است. این تحقیق با تکیه بر حوزه نظری شبکه اجتماعی، به تبیین نظری موضوع پرداخته است و به خصوصیات شبکه اجتماعی با ویژگی‌های سه‌گانه ساختی، تعاملی و

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2017.3105.

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور؛ N-dehnavi@pnu.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور؛ kh_beagi@pnu.ac.ir

نیز کارکردی شبکه در انجمن خیریه مذکور توجه نموده است. پژوهش در صدد است به این سؤالات اساسی پاسخ دهد که انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس چگونه زمینه را برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی فراهم کرد؟ آیا انجمن نقشی در ایجاد همبستگی، تعامل، تسهیل روابط اجتماعی و مشارکت اجتماعی و به‌طور کلی سرمایه اجتماعی ایرانیان مهاجر ایفا نمود؟ روش پژوهش در این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی و در حوزه مطالعات کتابخانه‌ای است. یافته‌ها حاکی از آن است که مؤلفه شبکه اجتماعی تأثیر مثبت و مهمی بر شکل‌یابی و نیز استمرار فعالیت انجمن خیریه مذکور داشت.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، شبکه اجتماعی، انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس.

مقدمه

تعدادی از ایرانیان از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه به عللی چون مشکلات اقتصادی و بیکاری و نیز فساد سیاسی و خودکامگی حکومت راهی شهر تفلیس شدند که در آن زمان مهم‌ترین شهر روسیه در منطقه قفقاز به شمار می‌رفت. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بر تعداد مهاجران ایرانی در این شهر بسیار افزوده شد. پراکندگی این مهاجران و مسائلی چون کمک به نیازمندان مهاجر و ایجاد مدرسه‌ای برای آموزش فرزندان آن‌ها و حمایت از کارگران بیسواد ایرانی در مقابل کارفرمایان تفلیسی از عواملی بود که جمعی از ایرانیان مقیم تفلیس به تأسیس انجمن خیریه‌ای برای ایرانیان آن شهر در سال ۱۳۲۳ ه.ق / ۱۹۰۵ م. اقدام نمودند. مسئله اصلی این تحقیق، شناسایی و ارزیابی نقش این انجمن در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در میان ایرانیان مهاجر در تفلیس و میزان تأثیرگذاری آن در افزایش همبستگی، همکاری و مشارکت اجتماعی در میان اقلیت ایرانیان مقیم تفلیس در نیمه اول قرن بیستم است.

هدف از این پژوهش، بررسی و تحلیل رابطه انجمن خیریه مذکور و سرمایه اجتماعی با تأکید بر مؤلفه شبکه اجتماعی با استفاده از پژوهش‌ها و منابع متعدد تاریخی است. روش پژوهش در این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و در حوزه مطالعات کتابخانه‌ای است. این تحقیق در تحلیل روابط و تعامل انجمن خیریه ایرانیان و سرمایه اجتماعی، سطح تحلیل میانی را مبنا قرار داده است؛ یعنی با انتخاب سطح تحلیل میانی یا بعد ساختاری، بر انجمن خیریه متمرکز شده است.

چون پرداختن به انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس با تکیه بر تمامی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به پژوهش‌های متعدد نیاز دارد، بنابراین این پژوهش بر شاخصه شبکه اجتماعی تأکید دارد. روشن است که جهت رسیدن به درک کاملی از مؤلفه شبکه اجتماعی در انجمن، سنجش امر ضروری است. لذا در این تحقیق به بخشی از ویژگی‌های شبکه اجتماعی این انجمن با تکیه بر موضوعاتی چون نوع و ساخت شبکه (متشکل از آشنایان یا دیگران)، اندازه شبکه، همگونی یا ناهمگونی شبکه (ترکیب یا تنوع ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی)، نوع روابط و فراوانی آن و کارکردهای متصور از این شبکه‌ها پرداخته می‌شود.

ادبیات و پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه پژوهش انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس و سرمایه اجتماعی بایستی به دو مبحث به طور جداگانه اشاره نمود: نخست پیشینه پژوهش درباره انجمن است که به غیر از کتاب «ایرانیان مهاجر در قفقاز: اقدامات فرهنگی آنان» اثر نظام‌علی دهنوی، یکی از نویسندگان این سطور، پژوهشی صورت نگرفته است. گرچه در اثر مذکور به بحث انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس پرداخته شده است، اما این مطالعه صرفاً با رویکرد تاریخی صورت گرفته است و فاقد بسیاری از اطلاعات مندرج در این پژوهش می‌باشد.

مقاله «مدرسه اتفاق ایرانیان در تفلیس» نیز یکی از تحقیقاتی است که نگارنده مذکور به اتفاق علیرضا علی‌صوفی آن را به رشته تحریر درآورده است. این مقاله در کل به بحث مدرسه اتفاق از پیدایش تا تعطیلی آن اشاره دارد، اما از آن جهت که مدرسه مذکور توسط

انجمن تأسیس و با هزینه عایدات آن اداره می‌شد، پس به اقدامات انجمن در حوزه مدرسه نیز در آن پرداخته شده است که در این پژوهش تا حدودی مورد استفاده واقع شد. نکته اساسی در خصوص استفاده از مقاله مذکور در این پژوهش آن است که به علت حجم زیاد نوشتار حاضر، امکان پرداختن به بحث رابطه مدرسه، انجمن و سرمایه اجتماعی در سطحی بیشتر وجود نداشت.

به‌طور کلی، منابع موجود تاریخی این پژوهش شامل جراید هم‌زمان با موضوع تحقیق، اسناد آرشیوهای مختلف، خاطرات و متون تاریخی بودند که تا حدود زیادی ظرفیت مناسبی برای انجام این تحقیق به‌خصوص در حوزه علل شکل‌گیری، فعالیت و دستاوردهای انجمن به دست دادند. مشکل اساسی این پژوهش، عدم دسترسی به اسناد موجود در آرشیوهای منطقه قفقاز و به‌خصوص در تفلیس است که شاید گزارش‌های باقی‌مانده در آن منطقه، نگاه جدیدی فراروی محققان می‌گذاشت. نکته مهم‌تر آنکه، فقدان اطلاعات آماری دقیق و کافی، سنجش سرمایه اجتماعی را با مشکل روبه‌رو می‌کند که شاید اسناد و مدارک موجود در کشورهای دیگر در باب موضوع تا حدودی این مشکل را حل می‌کرد. تاکنون در خصوص سرمایه اجتماعی با تأکید بر مؤلفه شبکه اجتماعی، تحقیقات ارزشمندی به رشته تحریر درآمده است. در این پژوهش گرچه به مفهوم سرمایه اجتماعی از نگاه برخی از اندیشمندان پرداخته شده، اما در تحلیل شبکه با تکیه بر مدل ویژگی‌های شبکه در «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران» اثر سوسن باستانی و دیگران، به تحلیل شبکه اجتماعی انجمن خواهیم پرداخت. باستانی و همکارانش با استناد بر داده‌های کمی به سنجش مبادرت ورزیده‌اند، اما این پژوهش با تکیه بر حوزه نظری و برپایه روش کیفی به تحلیل موضوع پرداخته است.

مفهوم سرمایه اجتماعی

سابقه استفاده از این مفهوم به سال ۱۹۱۶ م. برمی‌گردد، زمانی که این اصطلاح برای نخستین بار توسط لیدا جی. هانیفان، رئیس شورای مدارس ویرجینیای غربی مطرح شد

(جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۳۵؛ شارع پور، ۱۳۸۳: ۲۹۷). پیر بوردیو، جامعه‌شناس مشهور فرانسوی، نخستین محقق بود که یک تحلیل نظام‌مند از سرمایه اجتماعی ارائه کرد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۷۲۵). غیر از بوردیو، اندیشمندانی چون جیمز کلمن، رونالد برت، رابرت پاتنام و آلخاندرو پورتس مفهوم سرمایه اجتماعی را بسیار بسط و گسترش دادند (Woolcock, 1998: 159).

سرمایه اجتماعی به عنوان مفهومی میان‌رشته‌ای تقریباً در تبیین مسائل و موضوعات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد توجه واقع شده است که یکی از این زمینه‌ها موضوع انجمن‌های خیریه و داوطلبانه است. از این منظر، سرمایه اجتماعی قابلیت و کارایی بالایی در تبیین و توضیح عناصر و نتایج این انجمن‌ها دارد. در تقسیم‌بندی بر مبنای محتوا و سطح تحلیل می‌توان مباحث نظری مطرح شده را در سه سطح خرد، میانی و کلان مورد توجه قرار داد. در این راستا، هر محقق با اختیار نمودن سطح تحلیل خرد با فرد و کنشگر سروکار دارد و با لحاظ واقعیت‌ها در سطح میانی و کلان با فرایندها و ساختارها درگیر خواهد شد. به هر روی، پژوهش مذکور سعی بر آن دارد که مفهوم سرمایه اجتماعی را در سطح میانی به کار گیرد.

سطح میانی برداشت گسترده‌تری از سطح خرد است که محققانی چون کلمن، پاتنام و پورتس ارائه کرده‌اند و شامل روابط افقی و سلسله‌مراتبی، فرافردی چون مؤسسه‌ها و سازمان‌ها و روابط بینابین اعم از باشگاه‌ها، انجمن‌ها و احزاب سیاسی می‌شود، به‌طور کلی ساختار اجتماعی که کنش‌های شخصی و گروهی را تسهیل می‌کند (Pawar, 2006: 216). پاتنام سرمایه اجتماعی را دربردارنده خصایص یا مشخصات سازمان اجتماعی شامل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی می‌داند که همکاری متقابل و هماهنگی در جهت منافع مشترک را تسهیل می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵).

بررسی دقیق‌تر مؤلفه شبکه اجتماعی و انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس به شناخت خصوصیات آن مؤلفه در ابعاد مشخصی چون تعداد اعضا، دفعات جلسات، ابعاد عضویت در حوزه قومیت، جنسیت، مذهب و... نیاز دارد. از همین روی، اطلاعات مشروحی که در خصوص این انجمن جمع‌آوری شده است شامل: ۱. نوع سازمان (رسمی یا غیررسمی) ۲.

میزان همگونی یا ناهمگونی درونی (از نظر جنسیت، قومیت، مذهب و اشتغال یا طبقه اجتماعی ۳. شرایط عضویت ۴. عملکرد انجمن و نوع خدمات ارائه شده و مشارکت در تصمیم سازی می باشد. در تعریفی گسترده از خیریه در این پژوهش، پنج معیار برای آن مشخص شده است: ۱. دارای سازماندهی رسمی ۲. به لحاظ نهادی جدای از دولت ۳. توزیع غیرانتفاعی ۴. خودگردانی ۵. مبتنی بر عضویت و کمک های داوطلبانه.

اوضاع ایرانیان مهاجر در تفلیس

مهاجرت از ایران در نیمه دوم سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (از حدود ۱۲۹۰ق) به صورت پدیده ای اجتماعی در آمد. هزاران روستایی، پیشه ور، دکان دار، کاسب خرده پا، بازرگان یا افراد بیکار در جستجوی کار و موقعیت اقتصادی مناسب تر عازم کشورهای پیرامون ایران شدند (حکیمیان، ۱۳۷۴: ۵۲-۵۳). قفقاز به علت رشد بالای اقتصادی و صنعتی و نیز نزدیکی به ایران بیشترین تعداد مهاجران ایرانی را پذیرا بود. در مورد شمار ایرانیان مهاجر در قفقاز آمار و ارقام صحیحی در دست نیست، اما اسناد و مدارک نشان از گسترش روبه رشد مهاجرت ایرانی ها در اواخر سده نوزدهم و اوایل قرن بیستم به این منطقه دارد.

شهر تفلیس یکی از مراکز عمده فرهنگی در منطقه قفقاز در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، اصلی ترین شهر و پایتخت فرهنگی این منطقه به شمار می رفت. پس از اتصال بندر پوتی، واقع در ساحل دریای سیاه، به تفلیس در نیمه دوم دهه ۱۸۶۰م. از طریق راه آهن و نیز بهره برداری از راه آهن تفلیس - باکو در سال ۱۸۸۲، این شهر رو به توسعه فراوانی نهاد (تأثیرات متقابل تاریخی و فرهنگی ایران در گرجستان، ۱۳۸۰: ۲۰۲). جمعیت تفلیس از حدود ۷۸ هزار نفر در سال ۱۸۸۶ م. به ۱۶۰ هزار نفر در سال ۱۸۹۷ م. رسید (یزدانی، ۱۳۹۱: ۶۹). به نظر می رسد این توسعه جمعیتی به همراه توان بالای فرهنگی، تأثیر زیادی در توسعه اقتصادی تفلیس داشت و در نتیجه شمار زیادی از مهاجران جویای کار ایرانی و یا آنانی که از ظلم و ستم حکام و خفقان سیاسی حاکم بر ایران راهی دیار غربت بودند، راهی آن منطقه شدند. روزنامه کاوکاز، چاپ تفلیس، شمار رعایای ایرانی را که در سال ۱۸۵۸ م. در شهر تفلیس اقامت داشتند، در حدود ۵ هزار نفر تخمین زده است (روزنامه

وقایع اتفاقیه، شماره ۴۰۲، ۶ ربیع الاول ۱۲۷۵: ۵). میرزا حسین فراهانی در سال ۱۸۸۵م. شمار اتباع ایرانی در تفلیس را حدود ۴ هزار نفر می‌داند (فراهانی، ۱۳۶۲: ۷۹ - ۸۰). میرزا رضا ارفع‌الدوله، ژنرال کنسول ایران در تفلیس، تعداد ایرانیان مقیم تفلیس را در سال ۱۸۹۰ را ۱۰ هزار نفر نوشته است (ارفع‌الدوله، ۱۳۴۵: ۳۱۶). حکیمیان، پژوهشگر ایرانی، برپایه منابع، تعداد ایرانیان را در آن شهر بین ۱۰ و ۱۲ هزار نفر تخمین زده است (حکیمیان، ۱۳۷۴: ۴۹).

در پی نابسامانی‌های دوران انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷م. تا استقرار کامل حکومت شوروی در منطقه قفقاز، بسیاری از ایرانیان از اقشار مختلف راهی ایران شدند و از آنجایی که اغلب ایرانیان مهاجر در آن منطقه از رعایا و تهیدستان روستایی بودند با بازگشت به ایران با عواملی چون بیکاری و ظلم و ستم زمینداران یا همان اربابان روبه‌رو شدند. آنان در طی مدت اقامت در ایران بسیار دچار تنگدستی شدند و بار دیگر عازم قفقاز شدند (اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۱۸، پرونده ۱۸۳).

با استقرار دولت شوروی در قفقاز، به علت منافع فراوانی که کارگران ایرانی برای آن دولت داشتند، آن دولت اقدام به وضع قوانین جدید نمود که این مهاجران را به ماندن در قفقاز تشویق نماید (اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۱۸، پرونده ۱۸۳).

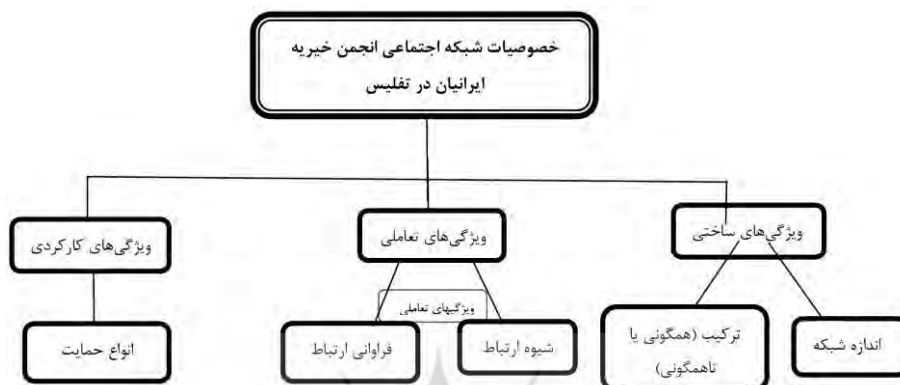
انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس و سرمایه اجتماعی

این پژوهش سعی دارد با تکیه بر مفهوم سرمایه اجتماعی به بررسی و تحلیل انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس بپردازد. یکی از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی هستند که در یک نهاد یا انجمن داوطلبانه شکل می‌گیرند. برای شناخت شبکه‌های اجتماعی در یک انجمن داوطلبانه همچون انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس نیاز به فهم روشن نمودن خصوصیات است که محققان آن را در سه بُعد طبقه‌بندی کرده‌اند:

خصوصیات ساختی: اندازه، ترکیب.

خصوصیات تعاملی: شیوه تماس، فراوانی تماس، دوام رابطه.

خصوصیات کارکردی: انواع حمایت (باستانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۰).



نمودار خصوصیات شبکه اجتماعی انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس

(باستانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۳).

این پژوهش سعی دارد رابطه انجمن خیریه ایرانیان و سرمایه اجتماعی را بر مبنای خصوصیات و ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی که در نمودار فوق ترسیم شده است، بررسی و تحلیل نماید. به همین منظور، هر سه ویژگی شبکه‌های اجتماعی انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس که به آن اشاره شده است، در ذیل به تفصیل مورد بررسی و کاوش قرار می‌گیرد:

بُعد ساختی شبکه اجتماعی انجمن

در خصوص بُعد ساختی شبکه اجتماعی انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس، بحث اندازه شبکه و ترکیب آن مطرح می‌شود که می‌توان به آن «نوع شبکه» نیز اطلاق کرد. منظور از اندازه شبکه، تعداد اعضای است که در انجمن با یکدیگر در تعامل و ارتباط هستند. منظور از ترکیب شبکه، همگونی یا ناهمگونی یا تنوع ارتباطات در شبکه اجتماعی انجمن خیریه می‌باشد. نسبت‌های مختلف اعضا، تنوع قومی و زبانی در شبکه انجمن خیریه از مباحث بسیار مهم این قسمت است. از ویژگی‌های بااهمیت دیگر این بحث، توجه به ساختار تشکیلاتی انجمن می‌باشد که سعی بر آن است غیر از موضوعات ذکر شده، به مؤلفه‌هایی

دیگر چون جنس، وضع و نوع فعالیت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی اقشار و اعضای متشکل در انجمن را تا حد امکان بررسی و تحلیل نمود.

در خصوص اندازه و ترکیب ابتدایی انجمن بایستی یادآور شد که تعدادی از ایرانیان متشکل از تمامی تجار، رؤسای اصناف و کسبه با حضور ژنرال کنسول وقت ایران در شهر تفلیس در اواسط دسامبر ۱۹۰۵ / ذیقعده ۱۳۲۳ در تکیه تبریزی‌ها در آن شهر جلسه‌ای تشکیل دادند و در آن روز دوازده نفر به‌عنوان اعضای اصلی انجمن انتخاب شدند (حبل‌المتین، سال ۱۴، شماره ۲۰: ۲۲-۲۳). پس هسته اولیه ترکیب انجمن متشکل از تجار، رؤسای اصناف و بزرگان کسبه ایرانی بودند. در این ترکیب، اقشار دیگری چون کارگران فصلی و غیر فصلی، که بیشترین تعداد ایرانیان مهاجر را تشکیل می‌دادند، حضور نداشتند. در ضمن دیگر اقشار چون عطار، قهوه‌چی، بقال، قصاب، دباغ، آشپز، و... نیز از منتخبان هسته اولیه انجمن نبودند. پس می‌توان ادعا نمود که نخستین جلسه جهت تشکیل انجمن و نیز انتخاب اعضای آن با حضور طبقات و اقشار بالای هرم جامعه ایرانی مهاجر در تفلیس شکل گرفت. در تجزیه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی انجمن از همان ابتدای تأسیس می‌توان جایگاه سلسله‌مراتبی افراد منتخب و محوریت آنان در میان لایه‌های بالای هرم قدرت اقتصادی و اجتماعی ایرانیان مهاجر را دریافت. نکته دیگر آن‌که، در هسته اولیه انجمن همگونی بیشتری دیده می‌شد که در ادوار دیگر و نیز در جلسات بعدی مدام بر ناهمگونی شبکه درونی انجمن خیریه افزوده شد. در تحلیل سرمایه اجتماعی شبکه هر قدر میزان ناهمگونی اعضا بیشتر باشد، میزان سرمایه اجتماعی زیادتر است.

عضویت و مشارکت در انجمن خیریه ایرانیان امری داوطلبانه بود و بررسی نظامنامه انجمن به وضوح مؤید آن است. ساختار تشکیلاتی انجمن از طریق بررسی و تحلیل نظامنامه آن به نیکی قابل شناخت است که این ساختار خود یکی از موضوعات مهم شبکه درونی و اجتماعی انجمن محسوب می‌شود. عمده‌ترین بخش ساختار انجمن، مبحث عضوگیری و چگونگی انجام فعالیت داوطلبانه بود. طبق نظامنامه، اعضا به سه دسته تقسیم می‌شدند: اعضای افتخاری، اعضای حقیقی و اعضای مجاهد.

این انجمن شخص محور نبود و کلیه تصمیم‌های آن بر پایه نظر عمومی اعضا و نیز توسط افرادی که با رأی و نظر اکثریت انتخاب می‌شدند، اتخاذ می‌شد. بررسی نظامنامه نشان می‌دهد که امور انجمن بر عهده «اداره انجمن» و «مجلس عمومی» بود. «اداره انجمن» متشکل از ۶ الی ۱۲ نفر بودند که توسط مجلس عمومی و از میان اعضای انجمن به مدت سه سال انتخاب می‌شدند. این اعضا متصدی امور بوده و در کارهای انجمن رأی قاطع داشتند. این افراد بایستی از سوی بالاترین مقام دولتی روسیه در شهر تفلیس نیز تأیید می‌شدند (نظامنامه انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس، ۱۳۲۳ق: کارتن ۷، پرونده ۱).

بررسی نظامنامه انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس، به خوبی کنش داوطلبانه اعضای انجمن را نشان می‌دهد. طبق نظامنامه، اداره انجمن مجاز بود اشخاصی را که عضو آن اداره یا حتی از اعضای انجمن نبودند به مجالس خویش دعوت نماید. چنانچه حضور افراد دعوت شده به نفع پیشبرد اهداف خیرخواهانه انجمن بود از آن بهره لازم برده می‌شد، در غیر این صورت، نظرات آنان لازم‌الاجرا نبود. اعضای انجمن آزاد بودند تا نظرات و عقاید خود را در باب هر موضوعی در اختیار انجمن بگذارند تا از این طریق در مجلس عمومی مطرح شود (نظامنامه انجمن خیره ایرانیان در تفلیس، ۱۳۲۳ق: کارتن ۷، پرونده ۱).

در خصوص ساختار و تشکیلات انجمن داوطلبانه خیریه ایرانیان در تفلیس بایستی اشاره کرد که چرخش اعضا و تغییر مناصب در آن طبق نظر و رأی کلیه اعضا و مطابق نظامنامه آن صورت می‌گرفت. نمونه این چرخش را می‌توان در تعیین اعضای اداره انجمن به وضوح مشاهده کرد. اعضای این اداره در جلسه انتخابات مجلس عمومی و با رأی اکثریت برای سه سال انتخاب می‌شدند. به دلیل اهمیت اداره انجمن در رسیدگی به امور انجمن خیریه، می‌بایستی دو سوم اعضای اداره انجمن همیشه بر مصدر امور باقی می‌ماندند. از این رو، سالی یک سوم اعضا از اداره انجمن خارج و جای خود را به اعضای جدید می‌دادند. مجلس عمومی دو الی چهار نفر معاون برای اعضای اداره انجمن انتخاب می‌کرد، زیرا اگر هریک از اعضای انجمن به مدت طولانی غایب یا پیش از اتمام دوره سه‌ساله استعفا می‌داد، این افراد به جای عضو مذکور به کار مشغول می‌شدند. اعضای اداره انجمن در قبال کارها و خدمات خویش حقوق و دستمزدی دریافت نمی‌کردند (نظامنامه

انجمن خیره ایرانیان در تفلیس، ۱۳۲۳ق: کارتن ۷، پرونده ۱؛ حبل‌المتین، سال ۱۳، شماره ۳، دوشنبه ۱۱ رجب ۱۳۲۳: ۱۷).

گزارشی از وضعیت و عملکرد انجمن از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۸ ه.ق / ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۰ م. در دست نیست که با تکیه بر آن بتوان تصویری دقیق‌تر از تعداد جلسات، اندازه شبکه یا تعداد اعضای انجمن و نیز ترکیب آن‌ها در ابعاد مختلف را نشان داد، اما گزارشی کامل تحت عنوان «حساب دخل و خرج‌های انجمن خیره ایرانیان در تفلیس و مدرسه اتفاق» مربوط به سال ۱۹۱۰ م. یافت شد که اقدامات و عملکرد انجمن را در آن سال روشن می‌نماید. طبق این گزارش ارزشمند، جلسه عمومی انجمن در حدود اواسط مارس ۱۹۱۰ / ربیع‌الاول ۱۳۲۸ بر گزار گردید که در آن اعضای اداره انجمن انتخاب شدند. اعضای افتخاری انجمن در آن سال شش نفر بودند که یکی از آن‌ها زن بود (اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۲، پرونده ۳).

طبق نظامنامه انجمن، عضویت در انجمن مذکور محدود به ایرانیان ساکن تفلیس نبود و هر فردی بدون توجه به جنسیت، زبان و مذهب می‌توانست عضو باشد. بررسی لیست اسامی اعضای انجمن در گزارش سال ۱۳۲۸ ه.ق / ۱۹۱۰ م. نشان می‌دهد که در میان اعضای افتخاری انجمن نام مهدی‌قلی‌خان هدایت ملقب به «مخبر السلطنه»، حکمران آذربایجان، نیز وجود داشت. تعداد اعضای حقیقی انجمن در سال مذکور بیش از ۸۲ نفر بودند. مشاغل اعضای انجمن در این گزارش از تنوع بالایی برخوردار بود که این موضوع نشان از ناهمگونی شبکه اجتماعی انجمن و نیز اعتماد متقابل میان اعضاست. چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، هر چقدر ترکیب شبکه اجتماعی ناهمگون باشد میزان سرمایه اجتماعی زیادتر است، زیرا شبکه اجتماعی مبتنی است بر روابط اجتماعی و روابط نیز معمولاً بر پایه اعتماد متقابل شکل می‌گیرد. در بررسی گزارش مذکور، محقق با تعداد قابل توجهی از اسامی اعضا با عناوین و مشاغل عطار، قهوه‌چی، بقال، قصاب، دباغ، آشپز، تاجر روبه‌رو شد که غالب اعضای انجمن را تشکیل می‌دادند (اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۲، پرونده ۳). پس آن یکدستی و همگونی نخستین که تنها معدودی از ایرانیان از طبقات بالای هرم قدرت اقتصادی و اجتماعی را شامل می‌شد در این گزارش دیده نشد،

حتی افرادی از مشاغل دون پایه با تعدادی قابل توجه در انجمن حضور داشتند. در میان اعضای حقیقی انجمن افرادی از تبعه روسیه و با نام روسی نیز وجود داشتند که ماهیانه مبلغی به عنوان حق عضویت پرداخت می کردند (اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۲، پرونده ۳). در اسناد به جای مانده در باب انجمن خیریه و مدرسه اتفاق در سال ۱۳۰۲ ش / ۱۹۲۳م. نیز اسامی تعدادی از تجار مسلمان غیر ایرانی تبعه گرجستان به عنوان اعضای انجمن خیریه ذکر شده است. این افراد در این سال مبلغی برای مخارج دانش آموزان نیازمند مدرسه اتفاق به صندوق انجمن کمک کردند (اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۲، پرونده ۳؛ مظهر، شماره ۱۳، ۲۷ ذی قعدة ۱۳۲۸: ۱۱)؛ اما در باب تعداد اعضای مسلمان غیر ایرانی تبعه گرجستان در انجمن و میزان همکاری و مساعدت آنان به انجمن اسنادی به دست نیامد. همچنین مدارکی در دست نیست که این غیر ایرانیان چه مدت عضو انجمن خیریه بوده اند.

به طور کلی، در خصوص رده های شغلی و شرایط اقتصادی - اجتماعی اعضا در انجمن، طیف متنوعی به چشم می خورد. به عبارت دیگر، در این طیف می توان گستره ای از افراد فقیر، افراد نسبتاً ثروتمند و ثروتمند و مقاماتی چون کنسول ها و مأموران ایرانی و... مشاهده کرد. پس می توان نتیجه گرفت که اعضای حقیقی انجمن از بعد طبقه اجتماعی، نوع شغل، جنسیت، ملیت و مذاهب بسیار ناهمگون بودند که این خود نشان از ترکیب ناهمگون اعضای انجمن است. چنان که ذکر شد، گستردگی شبکه ناهمگون اجتماعی که از پیوندهای بسیار قوی میان اعضا برخوردار نیست؛ یعنی افراد را به خودی و غیر خودی تقسیم نمی کند و از تمامی اقشار، مذاهب و ملیت ها را در خود جای می دهد. این همان شبکه پیوند دهنده ضعیف است که وولکاک (Woolcock, 1999: 28) و تعدادی دیگر از اندیشمندان سرمایه اجتماعی از آن به عنوان یکی از شاخص های برجسته سرمایه اجتماعی نام می برند. از لحاظ داخلی نیز چنین انجمنی، عادات همکاری، همبستگی و روحیه جمعی را در بین اعضای ناهمگونش تلقین می کرد. به هر روی مشارکت در همچون سازمان مدنی، مهارت های همکاری و نیز حس مسئولیت پذیری جمعی را در بین افراد تلقین می کرد. این انجمن تجسم یک همکاری اجتماعی مؤثر بود. شاید بتوان ادعا کرد که

زندگی انجمنی در بین ایرانیان مهاجر در تفلیس یک شاخص مهم در همبستگی مدنی به شمار می‌رفت.

بُعد تعاملی شبکه اجتماعی انجمن

در این بُعد از شبکه اجتماعی انجمن خیریه به مباحثی چون فراوانی تماس اعضا و نوع رابطه پرداخته و تحلیل می‌شود. منظور از فراوانی تماس، تعداد جلساتی است که اعضای انجمن هر چند وقت یک‌بار تشکیل می‌دادند. برای سنجش بُعد تعاملی شبکه اجتماعی انجمن هم می‌توان به نظامنامه آن استناد کرد و هم به گزارش‌هایی که همگونی یا ناهمگونی شبکه را نشان می‌دهند، اشاره نمود. در نظامنامه انجمن هدف از تأسیس آن، مساعدت مالی و اخلاقی به فقرا و درماندگان اتباع ایرانی در تفلیس بدون توجه به سن، جنس، صنف و مقام یا مذهب آن‌ها، تأسیس مدرسه جهت تحصیل کودکان ایرانی، کفن و دفن فقرای ایرانی، نگهداری از یتیمان، بیوه‌زنان و درماندگان ایرانی ذکر شده است (نظامنامه انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس، ۱۳۲۳ق: کارت‌ن ۷، پرونده ۱). مذاقه در اهداف مندرج در نظامنامه به خوبی گویای نوع رابطه و حس صمیمیت اعضا به‌عنوان شبکه به اتباع ایرانی و به‌خصوص اقشار درمانده و آسیب‌پذیر می‌باشد. این دغدغه‌ها از همان ابتدای تصمیم‌گیری در تأسیس انجمن تا پایان دوره فعالیت آن، چه در جلسات و چه در گزارش‌های ارسالی به ایران و... وجود داشت.

یک بُعد تعاملی شبکه انجمن، برگزاری تعداد جلسات میان اعضا می‌باشد که درخصوص آن اطلاعات بسیار اندک است. همچنین اطلاعاتی در باب برنامه‌ای جامع راجع به نحوه برگزاری جلسات به‌طور ماهیانه، چند ماه یک‌بار یا سالیانه و غیره تاکنون به دست نیامده است، اما در نظامنامه درخصوص تعداد جلسات انجمن آمده است که برگزاری مجالس عمومی توسط اداره انجمن به دو صورت عادی و فوق‌العاده صورت می‌گرفت. مجالس عمومی عادی اغلب سالی یک مرتبه تشکیل می‌شد، اما مجالس فوق‌العاده به خاطر ضرورت و یا گفتگو در مورد امر مهم، که اداره انجمن از عهده انجام

آن ناتوان یا از حوزه اختیار آن خارج بود، تشکیل می‌شد (نظامنامه انجمن خیره ایرانیان در تفلیس، ۱۳۲۳ق: کارتن ۷، پرونده ۱).

آزادی عمل اداره انجمن در دعوت از افراد خارج از شبکه انجمن برای حضور در جلسات و بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و نظرات آنان نشان از پویایی و باز بودن شبکه تعاملی انجمن داشت. هریک از اعضای انجمن نیز آزاد بودند که نظرات و عقاید خود را در باب هر موضوعی در اختیار انجمن بگذارند که از این طریق در مجلس عمومی مطرح شود (نظامنامه انجمن خیره ایرانیان در تفلیس، ۱۳۲۳ق: کارتن ۷، پرونده ۱) که این موضوع نیز افقی بودن شبکه اجتماعی انجمن را نشان می‌دهد.

بُعد کارکردی شبکه اجتماعی انجمن

انجمن خیریه ایرانیان تعهدات با برنامه‌ای در قبال بسیاری از موضوعات عمومی جامعه ایرانی در تفلیس داشت. چنان‌که یکی از نمودهای ارزشمند و تأثیرگذار این تعهدات خود را در کارکردهای شبکه اجتماعی انجمن نشان داد. بعد کارکردی شبکه اجتماعی انجمن خیریه موضوعات بسیار مهم انواع حمایت‌هایی که افراد و خانواده‌ها از انجمن دریافت می‌کردند و نیز حمایت‌هایی را که انجمن از دیگران دریافت می‌نمود، شامل می‌شد. این پژوهش سعی دارد به حمایت‌های مذکور در قالب شش نوع حمایت مالی، عاطفی، مشورتی، مصاحبتی، عملی و اطلاعاتی پردازد.

از بررسی دقیق گزارش سال ۱۳۲۸ق. / ۱۹۱۰ م. تحت عنوان «حساب دخل و خرج‌های انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس و مدرسه اتفاق» می‌توان انواع حمایت‌ها به انجمن و بالعکس را بازشناخت. تنوع اقشار و طبقات، مشاغل، قومیت و محل زندگی اعضای انجمن خیریه تأثیر زیادی نیز بر تنوع منابع حمایتی انجمن داشت. این گزارش به‌خوبی به مشاغلی چون عطاری، قهوه‌چی، بقالی، قصابی، دباغی، آشپزی، تاجر و غیره اشاره دارد که هریک مبالغی به عنوان حق عضویت و نیز اعانه به انجمن پرداخت می‌کردند. غیر از ایرانیان، چندین روس و گرجی‌زبان نیز عضو بودند و مبالغی کمک می‌کردند. اگر از منظر کارکردی به تنوع فراوان اعضای انجمن در حوزه‌هایی چون مشاغل، دین و مذهب، زبان و

قومیت نگریت به خوبی می توان انواع شاخه های حمایتی را در این شبکه بازشناخت. از جانب دیگر، مذاقه در این گزارش روشن می سازد که با وجود گستردگی حمایت های مالی انجمن به ایرانیان مهاجر، انجمن از بُعد اقتصادی وابسته به دولت ایران یا روسیه نبود و کاملاً یک نهاد مبتنی بر کمک های داوطلبانه مردمی و مستقل از دولت های ایران و روسیه به شمار می رفت (ر.ک جدول شماره ۱ و ۲).

جدول ۱. حمایت های مالی به انجمن در سال ۱۳۱۰ ق.م

منابع حمایت مالی به انجمن	مبلغ
حق عضویت اعضای افتخاری	۱۱۹۵ منات و ۴۵ کپک
حق عضویت اعضای حقیقی	۱۴۰۰ منات و ۸۰ کپک
هدیه سردار همایون، ژنرال کنسول ایران در تفلیس	۵۰۰ منات
هدیه مخبر السلطنه در تبریز	۱۰۰ منات
اعانه شرکت چای	۱۲ منات
اعانه های متفرقه	۱۹۲۰ منات و ۸۹ کپک

جدول ۲. حمایت های مالی انجمن به ایرانیان مهاجر در سال ۱۳۲۸ ق.م / ۱۳۱۰ م.

نحوه حمایت های مالی انجمن	مبالغ حمایتی
هزینه برای مدرسه اتفاق ایرانیان در تفلیس	۳۳۵۸ منات و ۹۴ کپک
هزینه بابت دفن اموات بی بضاعت ایرانی در تفلیس	۶۶ منات و ۴۰ کپک
اعانه به فقرا اتباع ایرانی در تفلیس و هزینه بازگشت ایرانیانی که توان بازگشت به ایران را نداشتند.	۱۱۱۹ منات و ۲۰ کپک

(اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۸ ق، کارتن ۱۲، پرونده ۳).

حمایت مالی انجمن به ایرانیان مهاجر در تفلیس، که یکی از مهم ترین انواع خصوصیت کارکردی شبکه اجتماعی انجمن داوطلبانه ایرانیان محسوب می شد، از تنوع و گوناگونی خاصی برخوردار بود. اسناد و شواهد نشان می دهد که بخش اعظم ایرانیان مهاجر در تفلیس افراد فرودست و بیسواد بودند که جهت یافتن اندک اندوخته ای راهی دیار غربت

شده بودند. چتر کارکردهای مالی، علمی، عاطفی، مشورتی، مصاحبتی و اطلاعاتی انجمن خیریه ایرانیان توانست کمک فراوانی به جمعی از مهاجران بنماید. جمعی از فرزندان این طبقات ناتوان و فرودست ایرانی با مساعدت و همکاری شبکه اجتماعی گردآمده در انجمن، از نعمت آموزش و علم برخوردار شدند و توانستند در ساختار جامعه ایرانی در گرجستان رشد کنند. تعدادی از آنان از خانواده‌هایی بودند که غیر از ناتوانی در پرداخت شهریه فرزندان خود، حتی از عهده تهیه کتاب، دفتر و البسه آنان نیز عاجز بودند. همچنین حمایت از فقرا و نیازمندان ایرانی ساکن تفلیس و نیز کمک به افراد کم‌بضاعتی که توان مالی رفتن به ایران را نداشتند، شامل حمایت مالی بسیار اثرگذار انجمن بود. از دیگر وظایف انجمن، که در نظامنامه نیز به آن اشاره شده بود، پرداخت هزینه دفن اموات ایرانیان فقیر در تفلیس بود که در این زمان بخشی از عایدات انجمن صرف این موضوع گردید (ر.ک: جدول شماره ۲).

از دیگر کارکردهای شبکه اجتماعی انجمن داوطلبانه مردمی ایرانیان می‌توان به حمایت‌های علمی و اطلاعاتی آن در راستای افزایش توان علمی و فرهنگی ایرانیان ساکن تفلیس اشاره نمود. انجمن با تأسیس قرائتخانه، خرید کتاب و راه‌اندازی کتابخانه و اشتراک برخی روزنامه‌های چاپ ایران و قفقاز برای مطالعه عموم مردم در سال ۱۳۳۴ق. / ۱۹۱۶ م. گام مهمی در زمینه ارتقای علمی و اطلاعاتی ایرانیان برداشت (اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۵ق، کارتن ۱۳، پرونده ۱۵). راه‌اندازی و تشکیل چنین مراکزی، منجر به گسترش رابطه چهره‌به‌چهره میان ایرانیان در محل مشخصی می‌شد که به قول وولکاک این تعامل جمعی باعث می‌شد افراد از اقشار مختلف با یکدیگر پیوندهای ضعیفی برقرار نمایند (Woolcock, 1999: 28) و این خود نقش مهمی در افزایش سرمایه اجتماعی در بین ایرانیان مهاجر داشت.

روابط اجتماعی به‌خصوص در غربت، هویت و اعتبار افراد و گروه‌ها را تقویت می‌کند. اطمینان فرد از ارزش خود به عنوان عضوی از یک گروه اجتماعی، که در منافع و منابع مشابهی شریک است، موجبات حمایت عاطفی و تأیید عمومی وی را فراهم می‌نماید. پس می‌توان نتیجه گرفت که جمع‌کثیری از ایرانیان به‌غربت‌افتاده در دیار تفلیس با

گردد هم آمدن در کنار یکدیگر تحت عناوین مختلفی چون عضویت داوطلبانه در انجمن، حضور در کنسرت و تئاتر ایرانی، قرائت‌خانه، کتابخانه و نیز در برنامه‌ها و مراسم دیگر می‌توانستند حمایت عاطفی، مشورتی، مصاحبتی و اطلاعاتی خوبی دریافت نمایند. همان‌طور که ذکر شد، اهمیت روابط در زندگی گروهی و فردی آن‌چنان فزون است که نظریه پرداز بزرگی چون نان لین برای سرمایه اجتماعی اصطلاح «دارایی ارتباطی»^۱ را به کار برد (Lin, 1999: 11).

در فاصله سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۱ق. / ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۳ م. هرچند عرایض و نامه‌هایی فاقد اطلاعات کافی از جانب انجمن به دست آمد، اما گزارشی با جزئیات کامل در باب آن ارگان یافت نشد. به هر روی، گزارش ارزشمندی از فعالیت‌های انجمن از شوال ۱۳۴۱ تا محرم ۱۳۴۴ / مه ۱۹۲۳ تا اوت ۱۹۲۵ به دست آمد که شرایط آن نهاد داوطلبانه را در ابعاد مختلف مالی به خوبی روشن می‌سازد. اطلاعات اساسی در گزارش مذکور را جهت تحلیل و بررسی در دو جدول به شرح ذیل طبقه‌بندی شد:

جدول ۳. حمایت‌های مالی به انجمن از

شوال ۱۳۴۱ تا محرم ۱۳۴۴ / مه ۱۹۲۳ تا اوت ۱۹۲۵

مبلغ	حمایت‌های مالی به انجمن
۱۴۲۷ منات و ۸۰ کپک	از بابت اجاره کاروانسرای اجاره‌ای از شوروی که مجدد به اجاره داده می‌شد
۷۲۲ منات و ۸۳ کپک	اعانه تذکره از اداره تذکره ژنرال کنسولگری ایران در تفلیس
۲۱۵۲ منات و ۸ کپک	اعانه‌های اتباع ایرانی
۹۱۷ منات و ۸۱ کپک	اعانه‌های اتباع ایرانی در تفلیس در ایام عید فطر و ایام عاشورا
۱۲۲۵ منات و ۸۰ کپک	اعانه‌های متفرقه از مسافران ایرانی در تفلیس

جدول ۴. حمایت‌های مالی انجمن به ایرانیان مهاجر

از شوال ۱۳۴۱ تا محرم ۱۳۴۴ / مه ۱۹۲۳ تا اوت ۱۹۲۵

مبلغ	حمایت‌های مالی انجمن به ایرانیان مهاجر
۵۳۶۷ منات و ۱۹ کپک	حقوق معلمان، مستخدمان و مصارف مدرسه اتفاق
۱۸۵ منات و ۷۰ کپک	دفن اموات بی‌بضاعت ایرانی در تفلیس
۳۴۰ منات و ۵۵ کپک	مقرر به بیوه زنان ایرانی مقیم تفلیس
۶۵۵ منات و ۶۵ کپک	هزینه تعمیر کاروانسرا، قنات، مسجد و قبرستان ایرانیان

(اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۴ش، کارتن ۳۵، پرونده ۷۵).

بررسی جداول شماره ۳ و ۴، کارکرد حمایتی انجمن به ایرانیان مهاجر و نیز وضعیت وصول و میزان عایدات آن را در سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۴ ه.ق نشان می‌دهد. جدول شماره ۴ میزان حمایت‌های مالی به مدرسه اتفاق شامل حقوق معلمان، مستخدم، وسایل مدرسه، تعمیر و نگهداری آن و نیز تحصیل رایگان دانش‌آموزان نیازمند، تهیه پوشاک و... برای آنان را مشخص کرده است که این اقدامات تأثیر چشمگیری در ایجاد انواع دیگر حمایت‌ها چون حمایت علمی، عاطفی و اطلاعاتی داشته است.

از اقدامات شایسته انجمن، تأسیس مدرسه‌ای برای ایرانیان مهاجر تحت عنوان مدرسه اتفاق بود. این مدرسه با حمایت مالی انجمن در ۱۵ شعبان ۱۳۲۶ افتتاح شد (اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۴ش، کارتن ۳۳، پرونده ۵۹) و هر سال تعدادی از دانش‌آموزان را به دو صورت رایگان، برای خانواده‌های بی‌بضاعت، و دریافت شهریه اندک، برای دیگر خانواده‌ها، آموزش داد. اعضای انجمن با کوشش فراوان در بحرانی‌ترین شرایط از تعطیلی مدرسه جلوگیری کردند و توانستند تعدادی از کودکان ایرانی را آموزش دهند. طبق اسناد باقی‌مانده، از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۵ ه.ق / ۱۲۸۹ تا ۱۳۰۶ ه.ش تعداد ۹۱۶ دانش‌آموز در مدرسه اتفاق ایرانیان به تحصیل اشتغال داشتند که از این میان تعداد ۶۹۵ نفر از آنان به صورت رایگان آموزش می‌دیدند (اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۲، پرونده ۳؛ اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۷ق، کارتن ۲۸، پرونده ۲۴؛ اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۴۱ق، کارتن ۱۲، ۲۴؛ اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۳ش، کارتن

۳۳، پرونده ۵۹؛ اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۴ش، کارتن ۳۵، پرونده ۷۵؛ سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ش، اسناد دانشگاه تهران؛ دهنوی، ۱۳۸۳: ۱۸۹-۱۴۱؛ علی صوفی و دهنوی، ۱۳۸۹: ۱۸۷-۱۷۶).

سرانجام در پی توجه دولت شوروی به طبقات فرودست جامعه ایرانی و انجام بسیاری از اقدامات حمایت گرانه توسط کارگزاران آن حکومت، بخش بزرگی از جامعه ایرانی دیگر نیازی به اقدامات حامی گرایانه انجمن نمی دیدند و از آن پس به جای رجوع به انجمن، به سیستم قضایی و دیگر دستگاه‌های اداری حکومت محلی پناه می بردند و در نهایت نیز فرزندان خود را به مدارس مجانی و پیشرفته محلی تفلیس می فرستادند. مجموع این عوامل و نیز اقدامات مغرضانه دولت شوروی در برابر مؤسسات و انجمن‌های خارجی در آن کشور و نیز روی کار آمدن رضا شاه به عنوان حکمرانی دیکتاتور، که بسیاری از دستاوردهای انقلاب مشروطیت را زیر پا نهاد، باعث شد که از سال ۱۳۰۷ش. به بعد حضور انجمن خیریه ایرانیان کم رنگ شود و سرمایه اجتماعی آن دچار فرسایش زیادی گردد و در نهایت این انجمن پس از افزون بر سه دهه فعالیت خیرخواهانه سرانجام به کار خود پایان دهد (دهنوی، ۱۳۸۳: ۲۳۶).

نتیجه

مهاجرت در بطن جامعه ایران پدیده‌ای تاریخی است، اما مهاجرت ایرانیان به جنوب روسیه و از جمله قفقاز از دوره حاکمیت ناصرالدین شاه به بعد به دو دلیل عوامل داخلی (دافعه یا رانش) که خاستگاه آن در متن ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران بود و عوامل خارجی (جاذبه یا کشش) که تحولات اقتصاد منطقه قفقاز در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، که شرایط جذب مهاجران ایرانی را فراهم می کرد، از گستردگی فراوانی به ویژه در بین اقلیت تهیدست ایرانی برخوردار بود. مهاجران ایرانی در تفلیس در دوره مذکور به مشاغل متعدد و گوناگونی می پرداختند که اغلب اموری دون پایه بودند. جایگاه اجتماعی اغلب مهاجران ایرانی در تفلیس در سطوح پایین جامعه آن دیار بود و به علت فقدان آگاهی و بی سوادی، همواره از جانب کارفرمایان محلی و حتی مأموران ایرانی در

تفلیس مورد استثمار قرار می گرفتند. شرایط ناگوار این مهاجران باعث شد که جمعی از ایرانیان مقیم آن سامان از اقشار بالای هرم قدرت اقتصادی و اجتماعی همچون تجار، رؤسای اصناف و کسبه اقدام به تأسیس انجمن خیریه‌ای جهت مساعدت به ایرانیان نیازمند و نیز ایجاد مدرسه برای تحصیل کودکان ایرانی مهاجر بنمایند.

در این پژوهش با تکیه بر حوزه نظری شبکه اجتماعی، به تبیین نظری موضوع پرداخته شد و هر سه خصوصیات ساختی (اندازه و همگونی و ناهمگونی شبکه)، تعاملی (فراوانی تماس و نوع تماس) و نیز کارکردی شبکه (انواع حمایت‌ها) در انجمن خیریه ایرانیان مورد تحلیل قرار گرفتند.

در تحلیل بعد ساختی شبکه اجتماعی انجمن به دو بحث اندازه و ترکیب شبکه پرداخته شد، اما ترکیب شبکه اجتماعی (همگونی یا ناهمگونی یا تنوع ارتباطات در شبکه) از مباحث عمده‌تر این پژوهش بود. ناهمگونی بسیار شبکه اجتماعی انجمن خیریه به دلیل تنوع قومی، زبانی و شغلی اعضا، نشان از سرمایه اجتماعی قابل توجه انجمن داشت و توان تحلیل موضوع را افزایش داد. زیرا انجمن توانسته بود افراد متعددی فارغ از ملیت، مذهب و زبان گردهم آورد تا بتوانند به افراد ناتوان و نیازمند و کودکان ایرانی برای تحصیل یاری رسانند. پس انجمن توانسته بود حس همدلی، همیاری، همبستگی، مشارکت اجتماعی و تعاون را در بین اعضای خود و دیگران افزایش دهد که این نشان از تولید سرمایه اجتماعی توسط شبکه اجتماعی انجمن دارد. به‌طور کلی، می‌توان ادعا نمود که مشارکت در انجمن خیریه ایرانیان، مهارت‌های همکاری و نیز حس مسئولیت‌پذیری جمعی را در بین افراد تلقین کرد. پیگیری‌های مداوم انجمن جهت رفع مشکل ایرانیان از طرق مختلف در تفلیس و ایران، حس اعتماد به نفس را در میان اعضا و به‌خصوص ایرانیان مهاجر افزایش داد. انجمن به ایرانیان ناتوان و بیسواد برای دادخواهی خود کمک فراوان نمود و به نوعی در حکم مشاور آنان عمل می‌کرد. نگارش عرایض برای ایرانیان مهاجر، چه برای درخواست‌های شخصی و یا پیگیری خواست‌های عمومی آنان، به یکی از اقدامات انجمن تبدیل شده بود. در بحث بُعد کارکردی شبکه اجتماعی انجمن خیریه به انواع حمایت‌هایی که افراد و خانواده‌ها از انجمن دریافت می‌کردند و نیز حمایت‌هایی که انجمن از دیگران دریافت

می نمود، در قالب شش نوع حمایت مالی، عاطفی، مشورتی، مصاحبتی، عملی و اطلاعاتی پرداخته شد. اعضای انجمن در حوزه حمایت مالی در طول سه دهه فعالیت خود زحمات و رنج های فراوانی کشیدند که ماحصل این اقدامات منجر به باسوادی تعداد زیادی از کودکان ایرانی شد. همچنین مساعدت به فقرا، یتیمان، بیوه زنان و دیگر کارهای عام المنفعه از خدمات عمده انجمن در حوزه مالی به شمار می رفت. انجمن به عنوان یک حامی نیرومند برای دسترسی ایرانیان مهاجر و ناآگاه به حقوق خویش با حمایت های مذکور در سه دهه فعالیت همواره قوت قلب نیرومندی محسوب می شد. انجمن در سال های پر آشوب و درگیری های دوره انقلاب روسیه، به مأمن ایرانیان تاجر و بازرگان از یک سو و اقشار فرودستی که به دلیل تعطیلی امور در تفلیس، کار خود را از دست داده و اما فاقد پول برای عزیمت به ایران بودند، تبدیل شد.

منابع و مآخذ

اسناد منتشر نشده

- سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ش، **اسناد دانشگاه تهران**.
- تلگراف سفیر ایران در پترزبورگ به وزارت امور خارجه، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، نمره ۱۵۳، ۲۱ جمادی الثانی ۱۳۳۲، سال ۱۳۳۲ق، کارتن ۱۳، پرونده ۱.
- وزارت امور خارجه به وزارت مالیه، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، نمره ۱۹۵/۴۸۶، ۱۷ فروردین ۱۳۰۶، سال ۱۳۰۶ش، کارتن ۱۸، پرونده ۱۸۳.
- وزارت مالیه به وزارت امور خارجه، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، نمره ۱۸۲۱، ۱۳۰۶/۲/۱۹، سال ۱۳۰۶ش، کارتن ۱۸، پرونده ۱۸۳.
- نظامنامه انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، ۱۳۲۳ق، کارتن ۷، پرونده ۱.
- حساب مداخل - مخارج انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس و مدرسه اتفاق، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۲، پرونده ۳.

- ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، شماره ۲۴۴، ۴ شعبان ۱۳۳۵، سال ۱۳۳۵ق، کارتن ۱۳، پرونده ۱۵.
- ترجمه ورقه اجرائیه، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، شماره ۳۳۲، ۱۱ حمل ۱۲۹۸، سال ۱۳۰۴ش، کارتن ۳۵، پرونده ۴۸).
- سواد مراسله جمعیت خیریه ایرانیان، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، شماره ۴۷، ۲۶ ذیحجه ۱۳۳۷، سال ۱۳۳۸ق، کارتن ۱۵، پرونده ۱۵.
- ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، شماره ۱۵۲۰، ۱۶ ذیحجه ۱۳۳۸، سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۵، پرونده ۱۶.
- تلگراف جمعیت خیریه ایرانیان در تفلیس به وزارت امور خارجه، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، شماره ۱۴، ۱۲ ربیع الاول ۱۳۴۳، سال ۱۳۰۳ش، کارتن ۳۳، پرونده ۵۹.
- ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، شماره ۲۰۷۱، ۱۱ مهر ۱۳۰۴، سال ۱۳۰۴ش، کارتن ۳۵، پرونده ۴۸.
- صورت عایدات انجمن خیریه ایرانیان از ۱۷ شوال ۱۳۴۲ الی ۲۵ محرم ۱۳۴۴، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، بدون شماره، سال ۱۳۰۴ش، کارتن ۳۵، پرونده ۷۵.
- ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، شماره ۹۳۳، ۱۷ دلو ۱۳۰۳، سال ۱۳۰۴ش، کارتن ۳۳، پرونده ۵۹.
- ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، شماره ۱۶۰۱، ۷ جمادی الثانی ۱۳۳۷، کارتن ۲۸، پرونده ۲۴.
- ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، شماره ۴۶۴، ۱۰ اسد ۱۳۴۱، سال ۱۳۴۱ق، کارتن ۱۲، ۲۴.
- نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، شماره ۹۳۳، ۱۷ دلو ۱۳۰۳، سال ۱۳۰۳ش، کارتن ۳۳، پرونده ۵۹.
- گزارش مدرسه اتفاق ایرانیان، **اسناد وزارت امور خارجه ایران**، بدون شماره، بدون تاریخ، سال ۱۳۰۴ش، کارتن ۳۵، پرونده ۷۵.

روزنامه‌ها

- **حبل‌المتین**، سال ۱۳، شماره ۳، دوشنبه ۱۱ رجب ۱۳۲۳.
- **مظهر**، شماره ۱۳، ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۸.
- **وقایع اتفاقیه**، شماره ۴۰۲، ۶ ربیع‌الاول ۱۲۷۵.

کتاب‌ها و مقالات

- ارفع‌الدوله، میرزا رضا خان (۱۳۴۵). **ایران دیروز (خاطرات پرنس ارفع)**. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- باستانی، سوسن؛ افسانه کمالی و صالحی هیکویی (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی». **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی**. تابستان. سال ۱۶. شماره ۶.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰). **دموکراسی و سنت‌های مدنی**. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: ناشر روزنامه سلام. چاپ اول.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷). «کارگاه سرمایه اجتماعی». در **مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی**. ترجمه محمد مهدی شجاعی باغینی و همکاران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ اول.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۰). **تأثیرات متقابل تاریخی و فرهنگی ایران در گرجستان**. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. چاپ اول.
- حکیمیان، حسن (۱۳۷۴). «کارمزدی و مهاجرت: کارگران ایرانی در جنوب روسیه ۱۸۸۰-۱۹۱۴». ترجمه افسانه منفرد. **تاریخ معاصر ایران**. کتاب هفتم.
- دهنوی، نظام علی (۱۳۸۳). **ایرانیان مهاجر در قفقاز: فعالیت‌های فرهنگی آنان در سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۳۰م**. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. چاپ اول.

- ریترز، جورج (۱۳۷۴). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳). «ابعاد کارکردی سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن». در کتاب **مجموعه مقالات مسائل ایران**. تهران: نشر آگه.
- علی صوفی، علیرضا و نظامعلی دهنوی (۱۳۸۹). «مدرسه اتفاق ایرانیان در تفلیس». **مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ**. پاییز. سال ۲. شماره ۵.
- فراهانی، میرزا محمدحسین (۱۳۶۲). **سفرنامه میروزا محمدحسین فراهانی**. به کوشش مسعود گلزاری. تهران: انتشارات فردوسی. چاپ اول.
- یزدانی، سهراب (۱۳۹۱). **اجتماعیون عامیون**. تهران: نشر نی. چاپ اول.

منابع خارجی

- Lin, Nan (1999). "Building a Network Theory of Social Capital". In *Social Capital: Theory and Research*. Editors Nan Lin. Karen Kook. Ronald S. Bort. New York. Aldin de Gruyter.
- Putnam, R and Goss, K (2002). "Introduction". In *Democracies in flux, The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*". Edited by Robert Putnam. Oxford University Press.
- Woolcock, Michael (1998). "Social Capital and Economic Development: Toward a Theoretical Synthesis and Policy Framework." *Theory and Society*. Vol. 27. No. 2. PP. 151 – 208.
- Pawar, Manohar (2006). Social Capita? *The social science Journal*. Vol. 43. Issue. PP. 211-226.